

## معرفی و نقد مدخل زن در اسلام دایره المعارف جهان نوین اسلام

زاهره سادات میرجعفری<sup>۱</sup>

### چکیده

دایره المعارف جهان نوین اسلام توسط جان اسپوزیتو ویراستاری گردیده و توسط انتشارات آکسفورد در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسیده است. این دایره المعارف در شش جلد منتشر شده و متشکل از ۱۰۵۰ مدخل می باشد و نه تنها حوادث دوران معاصر بلکه عناوین تاریخی و مذهبی صدر اسلام را پوشش می دهد. در بررسی های مرتبط با حوزه زنان چندین مدخل در این دانشنامه وجود دارد. در این مدخل ها مباحثی از جمله زن و اسلام، زن و اصلاحات اجتماعی، جنبش های زنان، حجاب و چادر هرکدام به طور جداگانه، مباحث زنان در کشورهای اسلامی گوناگون و از دید اندیشمندان متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. در مدخل زن و اسلام این دایره المعارف با ارایه سه مقاله به توضیح و تبیین موقعیت زنان مسلمان و جایگاه زنان در قرآن و جوامع اسلامی پرداخته شده است. در این مقالات با استفاده از نظرات اندیشمندان و روشنفکران معاصر به خصوص زنانی چون « آمنه ودود» و « اسما بارلاس» به تبیین علل عقب ماندگی زنان معاصر و تفسیر مرد سالارانه آیات قرآنی و احکام شرعی زنان به خصوص احکام دیات و ارث و حجاب پرداخته شده است. در این مقاله پس از ترجمه بخش های مهم سعی بر تبیین تصویر زن مسلمان در این مجموعه مقالات و نقد آن بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی به خصوص نگاه مفسران شیعی شده است. زیرا فمینیست های مسلمان غالباً به تفسیر های ظاهری از قرآن می پردازند در تحلیل های خود از استدلال های قوی استفاده نمی کنند. **واژگان کلیدی:** زن مسلمان، مدخل زن در دایره المعارف اسلام، دایره المعارف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دکتری مطالعات زنان و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب قم، مترجم و مبلغ بین الملل

## مقدمه

آشنایی با مقالات دایره المعارف تصویر جامعی از دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر راجع به مسایل زنان ارائه می‌دهد که شناخت آن برای تطبیق با اصول و مبانی ارزش‌های اصیل اسلامی، آیات و روایات ضروری است. بدیهی است امروزه در مواجهه با موج عظیم مباحث و شبهات مسایل زنان، شناخت تفکر روشنفکران و مستشرقان جهت پاسخگویی به آنان، نگاه منتقدانه و محققانه به بنیان و اساس دانشی که قرآن بیان می‌نماید، همراه با پاسخگویی به نیاز زنان مسلمان در عصر پسانوگرایی به صورت روشمند، تاکید بر جنبه‌های زبان‌شناختی و بافت‌وگفتمان غالب در تفاسیر و طرح پرسش‌های عالمانه متکی بر گفتمان جنسیت مردسالارانه و ارایه خوانشی جدید از برخی آیات قرآن کریم مرتبط با زنان از قبیل خلقت انسان، چگونگی خلقت زن و مرد، جفت و زوجیت، تقوا، درجه زن و مرد و مساله نشوز و قوامیت مرد در دایره المعارف‌های اسلامی به عنوان سرچشمه علوم اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

## مدخل زن و اسلام

مدخل زن و اسلام واقع در جلد پنجم دایره المعارف جهان نوین اسلام حاوی سه زیر مدخل و سه مقاله می‌باشد که در این مجال به ترجمه و نقد و بررسی اولین مقاله آن «نقش و موقعیت زن در اسلام» خواهیم پرداخت.

این مقاله توسط پروفیسور «ثریا التورکی» استاد دانشگاه هاروارد ایالات متحده برگرفته از کتاب زن و جنسیت در دنیای اسلامی امروز، چاپ برکلی کالیفرنیا در سال ۲۰۰۵ نوشته شده است. ایشان در این بخش به بررسی موارد زیر پرداخته است:

### الف - موقعیت زنان در قرآن

در این بخش از مدخل به بررسی آیات قرآن راجع به خلقت و آفرینش زن (حوا)، بررسی حق مالکیت زنان، حق ارث زنان، اهمیت تساوی زن و مرد در نزد خدا، قوامیت مردان بر زنان، جواز و شرایط ازدواج مردان با چهارزن، قاعدگی زنان، نشوز زن و شرایط حکم در صورت اختلاف زن و شوهر پرداخته شده است.

### ب - زنان در فرهنگ اسلامی

در این بخش به نظرات محققان جامعه اسلامی معاصر مانند امینه ودود و اسما بارلاس، تفاوت میان اسلام به عنوان مذهب و متون فرهنگی مذهبی متفاوت و تفسیر مردسالارانه از قواعد زنانه پرداخته می‌شود.

### ۱- ترجمه و نقد بخش موقعیت زنان در قرآن

قرآن کتاب مقدس مسلمانان، موقعیت زنان را از دوره جاهلیت به میزان زیادی تغییر داد. قبل از اسلام ازدواج‌های چند همسری و چند شوهری، مادر تباری رواج داشت. بیشتر زنان خودشان همسر خود

را انتخاب می کردند و طلاق می دادند. زنان حجابی نداشتند و شاعر بودند و در جنگ ها شرکت می کردند. همان گونه که لیلا احمد بیان می کند: این اقدامات در عین حال به معنای قدرت زیاد زنان یا فقدان ستم به آنان نبود بلکه به معنای آزادی در روابط جنسی و بی بند و باری آنان در قبل از اسلام بود. (لیلا احمد، ۱۹۹۲، ۴۲) اسلام چند شوهری را ممنوع کرد و تعدد همسر را از بی نهایت به چهار تا محدود کرد و به تدریج مادر تباری را برانداخت و زن کشی را منسوخ نمود.

### ۱-۱- خلقت زن

در تمام مذاهب و ادیان الهی آمده است که زن و مرد از «نفس واحده» آفریده شده اند. در عهد قدیم آمده است: «پس خدا موجودات را آفرید، لیکن برای آدم معاونی موافق وی یافت نشد و خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گرداند تا بخت پس یکی از دنده هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خدا آن دنده را زنی بنا کرد و او را نزد آدم آورد. اما دیدگاه اسلامی بیان می دارد که زن در آفرینش در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است و هر دو جنس در جوهر و ماهیت یکسان و یگانه اند و تمایز و فرقی در حقیقت و ماهیت میان زن و مرد نیست. قرآن به صراحت از این حقیقت پرده برمی دارد: یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها... ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را (نیز) از او آفرید و از آن دو زنان و مردان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید (نساء، ۱)، هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها او است آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد (اعراف، ۱۸۹) بنابراین زن در آفرینش از همان جوهر و گوهر مرد است و اندیشه یکسانی و یگانگی ماهوی زن و مرد، اندیشه قرآنی است که از آیات الهی به روشنی به دست می آید. آنچه محقق است و قرآن بدان اشاره دارد زن و مرد برای زندگی دنیا و نیز برای بقاء نسل بشر مکمل یکدیگر هستند، بدین صورت که ماده اولیه این محصول یا مصنوع از مرد است و اراده سازندگی آن از خداوند توانا ولی کارخانه آن یعنی دستگاه سازندگی انسان و زحمات بار آوردن آن در اختیار زن قرار دارد و جا دارد که برای حفظ و سلامت این کارخانه از دستبرد نامحرمات و خرابکاران، مقررات و دستورات لازمی هم صادر گردد.

### ۱-۲- قوامیت مرد بر زن

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (النساء: ۳۴)

واضح است که این آیه مفهوم وسیع تری از برتری دارد. این آیه، تنها و مهم ترین آیه درباره رابطه زن و مرد است [آنجا که می گوید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ».

ترجمه‌ای که [در انگلیسی] «ON THE BASIS» (بر اساس) آمده، برای حرف «ب» در این آیه درج شده است. «ب» اشاره دارد که آن ویژگی‌ها یا محتوای قبل از «ب» بر اساس آنچه بعد از این حرف می‌آید، تعیین می‌شوند. در نتیجه این‌چنین معنی می‌شود که: مردان بر زنان مسلط هستند. تنها اگر آن دو شرطی که بعد از آن آمده است، محقق شود. اولین شرط «برتری» است و شرط دیگر این است که مردان، زنان را با اموال خود تأمین کنند [مردان، نفقه زنان را بپردازند]. «در صورتی که هر کدام از این شروط لغو شود، دیگر مرد بر زن (قوام) مسلط نیست».

آیه می‌گوید که جایگاه زن و مرد در برابر یکدیگر بر اساس آن چیزی است که خداوند برتری داده است. در ارتباط با برتری مادی، تنها یک ارجاع قرآنی وجود دارد که می‌گوید: خداوند برای مردان، یک سهم بیشتر از زنان تعیین کرده است و آن «ارث» است. در یک خانواده واحد سهم مرد دو برابر سهم زن است (النساء: ۱۱). اما این امر [اینکه سهم مرد دو برابر سهم زن باشد] مطلق نیست. مطلق ارث برای همه مردان بیش از همه زنان نیست. مقدار مشخصی از مال که باقی می‌ماند در درجه اول به دارایی خانواده بستگی دارد.

به علاوه اگر آیه ۳۴ سوره نسا به برتری شرح داده شده در ارث اشاره می‌کند، به معنای این نیست که چنین برتری مادی‌ای مطلق باشد. اغلب این شرط مطلوب است؛ زیرا شرط دیگری برای «قوامه» وجود دارد که «مردان اموالشان را برای سرپرستی زنان خرج می‌کنند». بنابراین نوعی تقابل بین امتیازات و مسئولیت‌ها وجود دارد. مردان مسئولیت پرداخت اموالشان را برای سرپرستی زنان دارند و در نتیجه به آن‌ها، دو سهم از ارث بخشیده می‌شود.

به‌رحال نمی‌توان نادیده گرفت که بسیاری از مردان، متن بالا را یک اشاره مطلق و غیرمشروط از برتری مردان بر زنان تفسیر می‌کنند و ادعا دارند که «خداوند مردان را از نظر توانایی جسمی و عقلی، مافوق زنان خلق کرده است».

واژه «فَضَّلَ» می‌تواند مطلق و غیرمشروط باشد؛ زیرا آیه ۴ سوره نساء نمی‌گوید: «مردان بر زنان برتری داده‌شده است»، بلکه می‌گوید: «بعضهم علی بعض» (بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر) استفاده از واژه «بَعْضُ» مربوط است به آنچه به‌طور آشکار در فضای بشری دیده‌شده است. این‌طور نیست که تمام مردان بر تمام زنان و در همه شرایط برتری داشته باشند، بلکه برخی از مردها بر برخی از زن‌ها، در بعضی از شرایط و حالات برتری دارند و بالعکس، برخی از زنان بر برخی از مردها، در بعضی از شرایط برتری دارند. بنابراین آنچه را که خداوند برتری داده است هنوز مطلق نیست.

### ۱-۳ اختلاف در سازگاری زناشویی

در نهایت با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء «...فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِيلًا...»

اولاً کلمه «قانتات» که در این آیه در توصیف زن صالح به کار رفته، اکثراً به اشتباه به معنای «مطیع» ترجمه شده و سپس به معنای «مطیع شوهر» تصور شده است. در کل قرآن این کلمه درباره هر دو جنس آمده است. مردان در آیات: (البقره: ۳۸)، (آل عمران: ۱۷) و (الاحزاب: ۳۵) و زنان در آیات (النساء: ۳۴)، (الاحزاب: ۳۴) و (التحریم: ۵ و ۱۲). این صفت یکی ویژگی و خصوصیت شخصیت مؤمنان در برابر خداوند را توضیح می‌دهد. آن‌ها تمایل به یاری یکدیگر و فرمان برداری خدا دارند. این معنا به وضوح با اطاعت محض میان مخلوقات فرق دارد که کلمه «طاع» به آن اشاره می‌کند. اما چون قرآن واژه‌ی «نشوز» را هم برای زن و هم برای مرد به کار می‌برد، نمی‌تواند به معنای تمرد از شوهر باشد. سید قطب «نشوز» را به عنوان حالت تمرد بین زوجین توضیح می‌دهد. در خصوص تمرد، قرآن پیشنهادهایی را به عنوان راه حل‌های ممکن ارائه می‌دهد:

- راه لفظی: بین زن و شوهر (مانند همین آیه ۳۴ سوره نساء) یا بین آن دو به کمک داور و قاضی (مانند آیات ۳۵ و ۱۲۸ سوره نسا)؛

۲- جدایی (بستر)؛

۳- و تنها در حادترین موارد، اقدام نهایی «زدن» اجازه داده می‌شود.

برای کسب توافق مجدد زناشویی نیاز است که نکات ذیل اجرا شود: نخست، قرآن اولویت را به بیان لفظی می‌دهد و بر اهمیت بازایی روابط تأکید می‌ورزد. به عبارت دیگر، این اقدام تأدیبی نیست که برای توافق نداشتن زوجین استفاده شود. دوم این که اگر این مراحل را که قرآن پیشنهاد می‌کند به طور متوالی تبعیت شود، قبل از مرحله نهایی بازایی روابط ممکن به نظر می‌رسد. سوم این که حتی اگر راه حل سوم پیش بیاید، ماهیت و نوع «زدن» نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که خشونت زناشویی و جنگ بین زن و شوهر را به وجود آورد، زیرا این عمل «غیر اسلامی» است.

#### ۱-۴- طلاق

«طلاق» یک حق انتخاب قانونی برای اختلاف غیرقابل حل بین زوجین است. طلاق در دست مردان قرار داده شده که به مردها اجازه می‌دهد درجه یا امتیازی بالاتر از زنان داشته باشند- در مقام شاهدی بر نوعی نابرابری در قرآن تلقی شده است؛ یعنی مردان برخلاف زنان قدرت طرد و حذف را دارند. برخلاف زنان، آن‌ها (مردان) می‌تواند بگویند: «من تو را طلاق می‌دهم» تا جریان طلاق آغاز شود. این قدرت (اختیار) مرد در اصلاحات حقوقی جدید اسلامی تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است. در برخی موارد نیاز است که مرد قبل از چنین انکاری (یعنی طلاق) نزد محاکم و دادگاه‌ها حاضر شود. برای مثال در مالزی زن و شوهری که در ازدواج دچار مشکل شده‌اند، باید نزد دادگاه برای بیان شکایت حاضر شوند. سپس دادگاه حکمیت می‌کند یا به حکمی برای مشورت ارجاع می‌دهد (النساء: ۳۴ و ۳۵ و ۱۲۸)

از آنجاکه این وضعیت مشابه جایگاه سنتی زن است، او با مشکل اضافی روبه‌رو نمی‌شود. با وجود این، وقتی قید و شرطی در مورد آنچه حق و امتیاز ویژه مردها پنداشته می‌شود، مطرح گردد، مردان به بهانه بسیار مشکل بودن آن را رد می‌کنند؛ چراکه سختی‌ای نباید بر حقوق آن‌ها تحمیل شود و در نتیجه اختیاراتی که آن‌ها احساس می‌کنند را کاهش دهد. چنین قیدی تساوی بزرگ‌تر میان حقوق و مسئولیت‌های زوجین را به وجود می‌آورد. مردها می‌توانند این مسائل را از دید زنان تجربه کنند. با این وجود هم، معدود مردانی هستند که برای رسیدن به راه‌حل‌های دوجانبه سودمندتر این تجربه را به کار می‌بندند.

### ۱-۵- تعدد زوجات

بسیاری از ملل مسلمان که اکنون تعدد زوجات را برخلاف شرع می‌دانند؛ چنین تغییراتی را در قانون‌گذاری بر اساس نظر کلی قرآن در مورد ازدواج توجیه کرده‌اند. ازدواج اجباری در زمان نزول وحی به دلیل نیاز زنان به حمایت‌های مالی از سوی برخی از مردان، ثابت فرض می‌شد. برای یک دختر بچه مرد ایدئال، پدر و برای دختر بالغ، همسر بود. این دید اقتصادی به ازدواج - همان‌طور که چنین آیه‌ای که در بالا توضیح داده شد، اشاره می‌کند- در اینجا نیز با نگاه به تعدد زوجات بازنگری خواهد شد.

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (النساء: ۳)

اولاً این آیه در مورد رفتار با ایتام است. برخی از سرپرستان ایتام که مسئول اداره‌ی اموال دختر بچه‌های یتیم بودند، در مدیریت منصفانه‌ی آن اموال، ناتوان بودند (النساء: ۲) یک راه‌حل پیشنهاد شده برای جلوگیری از آن اداره نادرست، ازدواج با آن ایتام بود. از یک‌طرف قرآن کریم این تعداد را به چهار نفر محدود نمود و از طرف دیگر مسئولیت اقتصادی تأمین همسر با دسترسی به دارایی آن زن یتیم، از طریق مسئولیت اداره اموالش، برابری می‌کرد. با این حال بیشتر طرفداران تعدد زوجات به‌ندرت از این مسئله در زمینه رفتار با ایتام بحث می‌کنند.

در حقیقت تا آنجا که به آن‌ها مربوط می‌شود، تنها ملاک سنجش عدالت میان همسران امور مادی است: آیا یک مرد می‌تواند به‌طور مساوی بیش از یک زن را پشتیبانی کند؟ این مطلب تعمیم ایده قدیمی ازدواج‌های اجباری است، زیرا عدالت بر اساس تساوی زمانی، عاطفی یا حمایت روحی، اخلاقی و فکری نیست. این اصطلاحات کلی عدالت اجتماعی، در مورد رفتار عادلانه با همسران بررسی نمی‌شود. کاملاً واضح است که این آیه مربوط به عدالت است. رفتار عادلانه، مدیریت عادلانه اموال، عدالت در مورد ایتام و عدالت در مورد همسران و... .

## ۱-۶- شهادت (گواهی)

مبحثی دیگر از مباحث معاصر پیرامون موضوع زن در قرآن (کریم)، زن به عنوان «شاهد بالقوه» است. در آیه مربوطه (به هنگام) «ثبت در نوشته»، (عقد قرارداد) یا «دعوی بدهکاری یا دین» دو شاهد احضار می‌شوند. «فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» (البقره: ۲۸۲) در بیان این آیه هر دو زن «شاهد» نامیده نمی‌شوند. بلکه یکی از دو زن تعیین شده که در صورت لزوم به دیگری یادآوری کند. هرچند زنان دو تا هستند ولی نقش شان متفاوت است.

به علاوه برخی ملاحظات مربوط به بافت موقعیت در مورد نیاز به بیش از یک شاهد در وهله اول وجود دارد. در این خصوص باید به هدف دقت شود که هیچ ایرادی - عمداً یا سهواً- در واژگان قرارداد پیش نیاید. فضل الرحمان به کاربرد لفظی آیه در تمامی معاملات آینده - منظور بعد از صدر اسلام- اعتراض می‌کند، چنانکه می‌گوید:

«اینکه شهادت یک زن از ارزش پایین‌تری از شهادت یک مرد در نظر گرفته شده، به خاطر قدرت حافظه ضعیف‌تر او در ارتباط با موضوعات مالی است. وقتی زنان در چنین موضوعاتی ماهر شوند - نه تنها اشکالی ندارد، بلکه برای بهبود و ارتقا جامعه- شهادت آن‌ها می‌تواند با شهادت مردان برابر باشد».

بنابراین آیه برای شرایط ویژه‌ای - که می‌تواند منسوخ شود و شده است- اهمیت دارد. احضار دو شاهد - به شرطی که عنوان «شاهد» را برای آن بپذیرند- در وهله اولی به تلاش در جهت جلوگیری از انحراف اشاره دارد. اگر یکی به خطا رود یا از طرف کسی وادار به شهادت دروغ شود، دیگری آنجا هست تا الفاظ قرارداد را پشتیبانی کند. به این ترتیب، با توجه به اینکه امکان داشت در آن جامعه زنان وادار به کاری شوند، اگر یک شاهد زن بود، برای برخی مردان که می‌خواستند به او برای تکذیب شهادتش فشار بیاورند، طعمه راحتی محسوب می‌شد. وقتی دو زن باشند، می‌توانند حامی یکدیگر باشند، به خصوص با توجه به لفظ برگزیده (قرآن) اگر یکی همراه شود (نتضلاً)، دیگری می‌تواند به او یادآوری کند (تذکر) یا توجه او را به آنچه در قرارداد توافق شده بود، جلب کند. مجموعه واحد و یکپارچه‌ای که شامل دو زن با عملکردهای متفاوت است، نه تنها به هر یک از زنان ارزش فردی مهم و برجسته‌ای می‌دهد؛ بلکه همچنین جبهه واحدی در مقابل شاهد دیگر تشکیل می‌دهد.

ضمناً مجموع یک شاهد مرد و یک واحد دونفره (دو زن) به معنی ارائه فرمول دو در مقابل یک نیست؛ زیرا در این صورت چهار شاهد زن نیز می‌توانست به جای دو شاهد مرد قرار گیرد، ولی قرآن (کریم) این شق را بیان نمی‌کند. با وجود فشارهای اجتماعی در زمان نزول - بی‌تجربگی و اجبار بر زن- زن شاهدی بالقوه فرض شده است.

حتی در زمان فشارهای شدید اجتماعی و محدودیت‌های مالی و تجربی، قرآن (کریم) توانایی‌ها و منابع بالقوه زن را به رسمیت می‌شناسد. در این عصر جدید، چنین عنایت‌های ساختار شکنانه به استعداد زن، باید به ترقی بیشتر مشارکت او در نظام اجتماعی - اخلاقی منصفانه منجر شود و به استعمار او و دیگران در جامعه پایان دهد. چنین نظام اجتماعی‌ای تنها از طریق تشویق مرد و زن (هر دو) به یادگیری و تجربه به دست می‌آید.

در مجموع، شهادت در این آیه مخصوص انواع خاصی از قراردادهای مالی است و بدان معنا نبود که به صورت قانون کلی به کار رود. هرگاه قرآن (کریم) معین نمی‌کند، تفسیر مردانه (مردگرایانه) این گونه نتیجه می‌گیرد که منحصرأ شاهد مذکر منظور است. بدین صورت (طبق روال چنین فرمولی) دو زن نیاز است - نه تنها در امر شهادت - بلکه برای دیگر جوانب مشارکت زنان.

## ۲\_ ترجمه بخش زنان در فرهنگ اسلامی

در این بخش خانم دکتر «ث ریا التورکی» به بررسی نظرات خانم امینه ودود واسما بارلاس به عنوان دو محقق مسلمان معاصر می‌پردازد. در قسمتی از ترجمه این بخش آمده است که «طبق نظر امینه ودود و اسما بارلاس باید بین اسلام به عنوان مذهب و زمینه‌های فرهنگی متفاوتی که اسلام در آن ظهور یافته تفاوت قایل شد. اسلام به عنوان مذهب اشاره به قواعدی دارد که مرتبط با تقوا، اخلاقیات و عقاید و وظایف عبادی است و اصول نامیده می‌شوند و زن و مرد در این سطح نزد خدا با هم برابرند و تفاوتی از این حیث ندارند. از سوی دیگر مردم در روابط اجتماعی خود نیازمند یک سری معاملات هستند که از آن‌ها تحت عنوان فروع دین یاد می‌شود. در این سطح با زنان همانند مردان برخورد نشده و این نابرابری بعد از فوت پیامبر توسط سلاطین و حکام و دانشمندان اسلامی رواج یافته است. این سیستم از ناعدالتی بیشتر مرتبط بوده با تفسیراتی از آیات قرآنی و سنت‌هایی از پیامبر همراه با عقاید محلی که بعدها تحت عنوان قوانین اسلامی انتخاب شده‌اند. نمونه‌ای از آن را در تفسیر قرآنی الطبری در تفسیر آیه ۲۰ سوره بقره در مورد خلقت زن از دنده آدم می‌توان یافت که از آن نتیجه گیری می‌شود، خلقت زن ثانوی است و از این رو باید همواره در خدمت مرد باشد. همچنین در ادامه این تفسیر او وسوسه زن را عامل سقوط آدم می‌شمارد. از این رو به سطح عقلی و اخلاقی پایین تر زن نتیجه گیری شده است.» (ودود، ۱۹۹۴، ص ۹-۱۰)

در قسمتی دیگر نیز بیان می‌دارد: «هر جامعه اسلامی جدید باید درک کند که اصول مورد نظر قواعد اسلامی برگرفته از جامعه و زمینه‌های فرهنگی عربستان قرن هفتم میلادی می‌باشد و اکنون که زمینه‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی این آیات تغییر یافته چنین نابرابری‌های جنسیتی در قوانینی مانند شهادت، طلاق، چند همسری پذیرفته نیست. (ودود، ۱۹۹۴، ص ۹-۱۰) دانشمندان معاصر این گونه مباحث را با اشاره به آیات قرآنی بیان می‌دارند که خداوند در قرآن بیان می‌دارد که شرایط مردم تغییر نمی‌یابد تا این که خود سرنوشت خود را تغییر دهند. (سوره ۱۳ آیه ۱۱) پس



شایسته نیست که عقل انسانی، نابرابری جنسیتی را بپذیرد در حالی که خداوند برابری معنوی تمام مسلمانان را مد نظر قرار دارد.

بارلاس معتقد است که آیات قرآنی خداوند را نمی توان عامل بدبختی یا بدرفتاری با زنان دانست بلکه فقها سالهاست که بر طبق ابزارهای حقوقی دیگر چون مصالح مرسله، الضرورت تبیح المهورات واستحسان است که قواعد اجتماعی جهت رفاه مردم را وضع می نمایند. توجه دقیق به معانی واژگان قرآنی نشان می دهد که آیه ۳۴ سوره نسا که مردان را بر زنان مقدم می دارد را می توان اینگونه تفسیر نمود که مردان حامی زنانند و یا واژه ضربه که از آن به کتک زدن تعبیر می شود؛ شاید فقط به عنوان یک مثال بیان شده باشد و آیه ۳ سوره نسا چند همسری را تنها برای زنان یتیم تحت مراقبت یک فرد جایز می شمارد نه تمامی زنان مسلمان و شرط برقراری عدالت را برای آنان ضروری می دارد؛ درحالی که آشکارا سپس بیان می دارد که برقراری چنین شرطی عملاً غیر ممکن است.

در آخر نویسنده مقاله ذکر می کند که در قران کریم مفاهیمی از پستی ذاتی زن و عقل و ظرفیت کمتر و یا احساسات بیشتر او را نسبت به مردان نمی توان مشاهده کرد. بلکه احادیث متعددی از پیامبر می توان یافت که در آن پیامبر با زنان مشورت می کردند و زنان را قادر به رهبری می دانستند. ابن حنبل رهبر یکی از چهار مذهب اهل سنت در احادیث خود از زنی به نام ام ورقه نام می برد که در زمان پیامبر امام جماعت زنان ایشان را به عهده داشت. حوادث و شواهد تاریخی اهمیت نقش زنان در زندگی مسلمانان را نشان می دهد. به عنوان مثال از پیرزنی در زمان حکومت عمر بن الخطاب در تاریخ نام برده می شود که فتوای او را در زمینه مهر زنان تصحیح نمود. ابن سعد تاریخ نگار قدیمی از هفتصد زن نام می برد که در مساجد به تفسیر و نقل احادیث می پرداختند. زنان بزرگی که در زندگی پیامبر نقش مهمی ایفا نمودند چون خدیجه، عایشه، فاطمه، زینب و عایشه بنت طلحه نیز از آن جمله اند که عایشه زن محبوب پیامبر در علوم بسیاری چون تاریخ، پزشکی و شعر سرآمد بود. همچنین در زمینه سیاست قران از زانی نام می برد که به سرعت و جدای از مردانشان با پیامبر بیعت نمودند. همانند آنچه در العقبه، الشجره و الرضوان رخ داد. خلیفه دوم ماموران زنی را با نام المحتسب در بازار مدینه گمارده بود. در زمان ابن حنبل زنان با صلاحیت، به قضاوت می پرداختند. در قرون متفاوت زنان سیاستمداری داشته ایم که در ممالک اسلامی به حکومت میپرداختند مانند سیت الملک (قرن ده)، ملکه سیده حورا و سلطانه سلطان حاکم اندونزی (قرن ۱۵)

## ۳- اشکالات مقاله مدخل زن و اسلام دایره المعارف

(۱) عدم استفاده کامل و صحیح از منابع اجتهادی اسلامی :

روشن است که داشتن پیش زمینه های ناخودآگاه در طرز تلقی و فهم نویسنده از مسایل پیرامون وی تاثیر می گذارد؛ لذا اصل بر این است که باید بدون پیش فرض به سراغ قرآن رفت. استفاده از تنها برخی منابع فقهی اهل سنت در تفسیر آیات قرآن به عنوان تنها منبع اجتهادی اسلام چون مصالح مرسله و استحسان، قیاس که از منابع اجتهادی اهل سنت است و کنار گذاشتن منابع غنی اجتهاد تشیع و ذکر کردن تنها برخی منابع اهل سنت، نام بردن از برخی فقها و مذاهب اهل سنت در این دایره المعارف مشهود است. علاوه بر آن زمانی که نویسنده از زنان سرنوشت ساز در زندگی پیامبر (ص) یاد می کند به نقش عایشه به عنوان زن محبوب، فعال، شاعر، عالم و سخنگو اشاره می کند و تنها در آخر از حضرت زهرا (س) و حضرت زینب(ع) نام می برد .

(۲) تفسیر به رای در آیات با نگرش فمینیستی به ویژه فمینیسم اسلامی:

آنچه مسلم است با استفاده از دلایل عقلی، نقلی، تجربی می توان اثبات نمود که بین زنان و مردان از جهت جسمی و روحی و ویژگی های خاص مردانه و زنانه تفاوت های قابل ملاحظه ای وجود دارد. این تفاوت ها منحصر به ویژگی های جسمی نیست. دین مقدس اسلام با توجه به این تفاوت در توانمندی ها، قوانین خاصی را برای زنان و مردان وضع نموده است؛ چرا که عدالت خداوند اقتضا می کند متناسب با این تفاوت ها، قوانین متفاوتی برای زنان و مردان وضع شود. لذا این تفاوت ها در تشریح لحاظ شده اما با این وجود زن و مرد در امور معنوی و اخروی و قرب الی الله با هم یکسان و برابرند. نادیده انگاشتن تفاوت های تکوینی و تشریحی زن و مرد و پایبند بودن به برابری مطلق زن و مرد در حقیقت همان نظریات فمینیستی است که نویسنده مقاله از نظرات دو محقق فمینیست اهل سنت جهت تفسیر آیات استفاده نموده است در حالی که تفسیر صحیح آن است که بدون رویکرد و پیش فرض مردانه و زنانه بلکه با رویکرد واقع گرایانه به قرآن نگریسته شود.

۳- ادعای پاسخگویی قرآن تنها به نیازهای روز جامعه عربستان

طبق نظر دانشمندان معاصر در این دایره المعارف متن قرآن برای پاسخگویی به نیازهای جامعه آن روز عربستان (قرن هفتم میلادی) بیان شده و رمز گسترش سریع قرآن در آن زمان را هم همین تطابق می دانند. بر اساس این نظریه اگر ما بخواهیم امروزه از متن قرآن استفاده کنیم، باید با توجه به روح آیات خوانشی جدید از متن قرآن و مطابق با جامعه امروز ارایه کرد در حالی که مسلمانان معتقدیم قرآن معجزه ای جاوید و از زمان نزول تا قیام قیامت پاسخگوی نیاز همه جوامع بشری است و منحصر به زمان نزول نیست؛ چرا که مخاطب قرآن فطرت بشر است از سوی دیگر ذوبطن بودن قرآن و لایه های عمیق آن سبب شده تا با ابزارهای استنباط و استخراج بتوان درجاتی از حقایق عظیم را با استفاده از روایات امامان معصوم درک کرد. ضمن آن که شرع مقدس اسلام، مسایل دینی را در

قالب احکام اصلی و ثابت و فرعی و متغیر بیان نموده تا متناسب با نیازها و مقتضیات زمانه پاسخگوی مسایل هر زمان باشد و مجتهدان متخصص و باتقوا با توجه به مکان و زمان حکم جدید را از آیات قرآنی استخراج نمایند. (ودود، ۱۳۹۴، ص ۲۹۵)

۴- برداشت نادرست از مفهوم قوامیت

نویسنده مقاله به پیروی از برخی روشنفکران فمینیست تفسیر به رای نموده و قوام بودن را فقط محدود به برخی از مردان که در مسایل خانوادگی بر همسران شان تسلط دارند می داند و این برتری به هیچ وجه مختص مردان نیست بلکه هر مرد یا زنی که این برتری روحی و اقتصادی را دارا باشد بر دیگری تسلط خواهد داشت؛ در حالی که طبق نظر علامه طباطبایی « قوام » بودن قطعاً به معنی سرپرستی مرد بر زن به واسطه نیروی ذاتی مدیریتی است که خداوند به مرد عطا کرده است، می باشد. از آنجایی که خداوند روحيات متفاوتی در نهاد مرد و زن قرار داده باید مسئولیت های این دو نیز متفاوت باشد. اگر در شرایطی اعمال قاطعیت و قدرت لازم است، عدالت و حکمت الهی اقتضا می کند که مسئولیت با جنس مرد باشد، همان گونه که عقل نیز بر همین اصل حکم می کند؛ زیرا در چنین شرایطی زنان با روحیه لطیف و ترحم خود نمی توانند عملکرد مناسبی ارائه کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۸۲)

علامه جوادی آملی در خصوص این آیه می فرماید: « هرگز مرد قوام و قیم زن و نیز زن تحت قیمومیت مرد نیست، قیمومیت در مورد رابطه زن و شوهر است. قوام بودن مربوط به مدیریت اجرایی است... چون مرد مسول تامین هزینه زندگی است سرپرستی داخل منزل هم با اوست و این سرپرستی مزیت و فضیلتی برای مرد نیست بلکه کاری اجرایی و وظیفه است. » (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۵)

۵- تحلیل نادرست تعدد زوجات

بحث تعدد زوجات در قرآن در آیات ۲،۳ سوره نسا بیان شده است. هر چند خطاب آیه در مورد چگونگی مراد با یتیمان و ازدواج با مادران بی شوهر که سرپرستی فرزندان یتیم را برعهده دارند است، ولی با توجه به قاعده «المورد لایختص الوارد» می توان آن را تعمیم داد، یعنی حکم آیه کلی و در مورد ازدواج مجدد و شرایط آن بوده و منحصر به زنان یتیم نیست. نویسنده این مقاله با توجه به این که شرط تعدد زوجات رعایت عدالت بین آن ها بیان شده است و در آیه ۱۲۹ سوره نسا ذکر شده که « شما حتی اگر حریص و راغب به برقراری عدالت میان همسران تان باشید، هرگز قادر به آن نخواهید بود»، بر این نظر است که چون عدالت میان همسران عملی نیست پس قرآن به طور کلی با تعدد زوجات مخالف بوده و این کار مغایر با احکام اسلام است. در نقد این نظر باید گفت اگر بنا بر حرمت تعدد زوجات در اسلام بوده، خداوند اصلاً موضوع را مطرح نمی کرد. بنابراین اصل تعدد زوجات از نظر اسلام و قرآن پذیرفته است ولی شرط بسیار سختی دارد که رعایت عدالت در رفتار بین آن ها می باشد که در عمل بسیار کم اتفاق می افتد، هر چند تفاوت در محبت قلبی اشکال ندارد. (بحرانی،

۱۳۷۵، ج ۲ ص ۱۷) ضمن این که حکم شرعی احکامی مثل تعدد زوجات، طلاق نامحدود و ازدواج موقت که نیازمند تغییر و بازنگری بودند، بخشی در قرآن (مانند محدود نمودن تعداد همسران به چهار عدد، آن هم به شرط برقراری عدالت میان ایشان) و بخشی در سیره و سنت رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) ذکر گردیده است. در کل، بدون مراجعه به قرآن ناطق نمی توان منبع استخراج احکام دین را به قرآن صامت محصور کرد. در نگرش نواندیشی افراطی تساوی به معنای برابری زن و مرد مطرح است. از جمله پایه های فکری این تفکر روش تجربی و امپریالیستی است. تاریخمندی متون دینی و وابستگی نص با واقع رابطه ای دیالکتیکی است. با این تفسیر که معنای متون ثابت نیست و همراه با فرهنگ در حال رشد است لذا دلالت نصوص از حقیقت به مجاز در حال تغییر است. ( طباطبایی، ۱۳۸۴ ص ۲۱۲)

### نتیجه گیری

از نظر نویسنده قرآن کریم موقعیت زنان را به نسبت قبل از اسلام با تاکید بر برابری معنوی و انسان شناختی زن و مرد بسیار بهبود بخشید. هر چند قوانین اقتصادی و اجتماعی در این متن مقدس ظاهرا به نفع مردان است، شرایط موجود در زمان ظهور اسلام این نابرابری ها را توجیه می کند. قرآن به خودی خود مکانیسمی جهت تفاسیر جدید از نقش و موقعیت زنان در شرایط جدید ارائه می دهد. دانشمندان مسلمان معاصر با اصلاحات موجود در قوانین اسلامی با استناد به چنین منابعی در قرن بیستم به تدریج به سمت برابری جنسیت پیش می روند "در حالی که بزرگ مکتوب انسانی و معجزه جاوید پیامبر اکرم برای تمامی اعصار و منبع هدایت و تغذیه فکری و روحی جهانیان بوده است و مفسران برجسته اسلامی شیعه با استفاده از رهنمودهای ائمه اطهار به تبیین احکام شرعی در روابط جنسیتی زن و مرد پرداخته اند برای مثال در اندیشه علامه طباطبایی، قرآن با لحاظ واقعیت های موجود به اصلاح آداب و عادات عرب پرداخته و شرایط مخاطبان را در نظر داشته است. در این صورت دیگر قرآن تأییدکننده عناصر منفی یا لغزش های حاکم به فرهنگ جامعه نخواهد بود. تساوی زن و مرد را به آیات تساوی در خلقت مستند کرده و تفاوت های حقوقی زن و مرد را مربوط به دلالت تاریخی اجتماعی می داند در حالی که تفاوت های تشریحی زن و مرد بنا به نظر علامه ریشه در تکوین دارد. در تفکر نواندیشی معاصر دلالت فحوا که همان استنباط مفسر است براساس شرایط اجتماعی تغییر می کند. این امر متغیر زمینه تفسیرهای متغیر را فراهم می کند. قرائت پذیری دین ثبات احکام و قوانین را متزلزل می کند و در نهایت دینی پویا بدون پایایی و جاودانگی بر جا می گذارد، اما در اندیشه مفسران شیعی پویایی و پایایی دو عنصر لاینفک بوده و نمی توان یکی را بدون دیگری پذیرفت.

## منابع

- قرآن کریم  
امین، قاسم، المرأ الجدیة، قاهره، ۱۹۸۷  
بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیرالقرآن، قم، دار التفسیر، ۱۳۷۵  
بنت الشاطی، عایشه عبد الرحمن، تراجم سیدات بیت النبوه، بیروت، ۱۹۷۷  
جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال، قم، اسرا، ۱۳۷۸  
زرین کوب، آریان، زن در داستان های قرآنی، تهران، سخن، ۱۳۸۸  
طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۴، ۱۳۷۴  
طباطبایی، محمد حسین، زن در قرآن، تصحیح و تحقیق محمد مرادی، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، ۱۳۸۴  
فرهمند، مریم، فمینیسم و خانواده، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران، ۱۳۸۶  
مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۴ق  
نورحسین فتیده، طاهره، حقوق زن در قرآن و عهدین، تهران، فرهنگ گستر، ۱۳۷۹  
ودود، آمنه، نقد و ترجمه قرآن و زن (بازخوانی و تفسیر متون مقدس، قرآن مجید) از منظر یک زن، ترجمه فردوس آقا گل زاده، آتنا بهادری، نقد کاوس روحی، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۴  
هاشم زاده هریسی، هاشم، آیات زن در قرآن، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۹۲

## منابع انگلیسی

- Ahmed, Leila. Women and Gender in Islam, New Haven, 1992  
Amin, Qasim. Al marah aljadida (1899) cairo. 1987  
Amin, Qasim. Tahrir al-marah. Al-qahirah. 1984  
Barlas, Asma" Believing Women in Islam: Unreading Patriarchal Interpretations of the Quran. Austin, texas, 2002  
Esposito, john L. Women in Muslim family law, Syracuse, N.Y. 1968  
Hambly, Gaven R.G.ed. Women in the Medival Islamic World, New York, 1992  
Kandiyoti, Deniz,ed, Women, Islam and the State. philadelphia, 1991  
Mernisi, Fatima. The Forgotten Queen of Islam. minneapolis. M inn. 1993  
Shariati, Ali. Fatima is Fatima. Translated by Lale Bakhtiar. Tehran 1981  
Son bol, AmiraEl Azhari, ed.Women. The Family and Divorce laws in Islamic History. Syracuse, 1996  
Stern, Gertrude. The First Women Converts in Islam. Islamic culture 13, no. 3(1939)

Stowasser, BarbaraFreyer. Women in the Quran, Traditions and Interpretation, New York, 1994

Wadud-Muhsen, Amina. Quran and Woman, Kuala Lumpur, 1994

Zuhur sherifa, Revealing Reveiling: Islamic Gender Ideology in Contemporary Egupt. Albany N.Y. 1992

